

Analyzing the Impact of Innovative Teaching Methods on the Development of Learners' Metacognitive Skills in History Education

F. Author*,¹

¹ Affiliation, Department, University, City, Country

ABSTRACT

Keywords:
instructional
methods,
metacognitive
skills,
history
education,
innovative
pedagogy,
history

¹
Corresponding
author



This study explores the impact of innovative teaching methods in history education on learners' metacognitive skills. Metacognitive abilities play a vital role in fostering deep understanding, analyzing historical events, and developing critical thinking. Accordingly, the integration of active and learner-centered approaches in teaching history has become increasingly essential. Employing a descriptive-analytical methodology, this research draws upon academic literature and previous studies to examine the effects of strategies such as synectics, simulation, historical storytelling, inquiry-based instruction, and the application of educational technologies. Findings suggest that these instructional methods promote metacognitive development by encouraging self-aware thinking, supporting the regulation of learning processes, and enhancing learners' ability to manage cognitive strategies. Furthermore, incorporating such approaches contributes to a more dynamic and participatory classroom environment, thereby fostering learner autonomy and reflective thinking. The study ultimately calls for a critical re-evaluation of traditional history teaching methods and advocates for a transition toward modern, learner-oriented pedagogies.

ISSN (Online): 2783-2155

DOI: [10.48310/RHE.2025.4370](https://doi.org/10.48310/RHE.2025.4370)

Received: 9/9/2024

Accepted: 18/9/2024 PP: 32-58

Citation (APA): Abbasi, H. (2023). Analyzing the Impact of Innovative Teaching Methods on the Development of Learners' Metacognitive Skills in History Education. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 5(3), 49-75.  <https://doi.org/10.12345/tej.12.10.112>



تحلیل تأثیر روش‌های نوین تدریس بر توسعه مهارت‌های فراشناختی فراگیران در آموزش تاریخ

فروزان/ادیب فر^{۱*}

۱. وابستگی سازمانی نویسنده مسئول،

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر روش‌های نوین تدریس در آموزش تاریخ بر مهارت‌های فراشناختی فراگیران است. با توجه به نقش مهم مهارت‌های فراشناختی در درک عمیق، تحلیل وقایع تاریخی و توانایی تفکر انتقادی، استفاده از روش‌های فعال و نوآورانه در فرایند آموزش تاریخ، ضرورتی انکارناپذیر یافته‌است. این مطالعه با روش توصیفی تحلیلی انجام شده و بر اساس منابع علمی و مطالعات پیشین به تحلیل چگونگی تأثیر روش‌هایی چون بدیعه پردازی، شبیه‌سازی، روایت‌گری تاریخی، پژوهش‌گویی و بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی پرداخته‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این شیوه‌های تدریس با تحریک تفکر خودآگاه، نظارت بر فرایند یادگیری و توانمندسازی فراگیران در تنظیم راهبردهای شناختی موجب ارتقاء مهارت‌های فراشناختی آنان می‌شود. همچنین فضای فعال و مشارکتی کلاس تاریخ در صورت بهره‌گیری از این روش‌ها، زمینه رشد استقلال یادگیری و بازاندیشی فراگیران را فراهم می‌سازد. در پایان پژوهش بر لزوم بازنگری در رویکردهای سنتی تدریس تاریخ و حرکت به‌سوی روش‌های نوین و مبتنی بر یادگیرنده تأکید می‌کند.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید

DOI:

10.48310/RHE.2025.4370

واژه‌های کلیدی:

- روش تدریس
- مهارت‌های فراشناختی
- آموزش تاریخ
- روش‌های نوین تدریس
- تاریخ
- ۱. نویسنده مسئول



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۹

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

شماره صفحات: ۳۲-۵۸

مقدمه

همه پیشرفت‌های شگفت‌انگیز انسان در دنیای امروز، زاییده یادگیری است. انسان بیشتر شایستگی‌های خود را از طریق آموزش‌های صورت گرفته، به دست می‌آورد. در گذشته تصور بر این بود که هوش ذاتی فرد که از والدین به ارث می‌رسد، عامل مهم یادگیری است. در حال حاضر اما همگان بر این باورند که بخش مهمی از رفتارهای هوشمندانه را کارکردهای شناختی و فراشناختی تشکیل می‌دهند و این کارکردها اکتسابی و تغییر پذیر محسوب می‌شوند (بابایی و همکاران به نقل از سیف، ۱۳۹۵: ۲). همچنین یادگیری، فرآیند تطابق و سازش با محیط است. این فرآیند در همه‌جا به طور یکسان انجام نمی‌شود و فراگیران نیز به یک میزان و با یک سرعت نمی‌آموزند. انسان‌ها در موقعیت‌های یکسان، متفاوت عمل می‌کنند که شاید دلیل آن سبک‌ها و روش‌های متفاوت یادگیری آنان باشد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

در دنیای امروزی همه ما با تحولات و تغییرات گسترده‌ای در حوزه آموزش روبرو هستیم. همزمان با این تغییرات و مطابق با توسعه روز افزون فناوری‌های جدید آموزش و روش‌های آن به عنوان یکی از پایه‌های اساسی آموزش و پرورش همواره توجه صاحب نظران آموزشی را به خود جلب نموده است؛ زیرا آنان به خوبی دریافته‌اند که یادگیری مفاهیم و استفاده از روش‌های فعال یاددهی - یادگیری، می‌تواند تاثیر مستقیمی در توسعه همه جانبه کشورها و افزایش سرمایه‌های مادی و معنوی آنان را به دنبال داشته‌باشد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آموزش در مدارس تربیت افرادی است که دارای معلومات و آگاهی‌های لازم بوده تا بتوانند منطقی بیان‌دیشند و آگاهانه تصمیم بگیرند.

بر این اساس و به منظور روبه رو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن حاضر افراد بایستی مهارت‌های تفکر به شیوه سودمند و روش‌های تصمیم‌گیری مناسب در جهت حل مسائل پیچیده جامعه امروزی را یاد گیرند؛ زیرا در دنیای متحول امروزی تنها توجه صرف بر خواندن نوشتن و حساب کردن که در گذشته به عنوان اهداف آموزش و پرورش بر آن تاکید فراوان می‌شد، دیگر نمی‌تواند گره‌ای از مشکلات جامعه بشری را باز نماید. به همین دلیل است که بیشتر نظام‌های آموزشی پیشرفته دنیا، رویکردهای سنتی به تعلیم و تربیت همانند روش‌های معلم محور را کنار گذاشته و به شیوه‌های نوین یاددهی-یادگیری روی آورده‌اند زیرا آنان به خوبی دریافته‌اند که هدف تعلیم و تربیت آن است که دانش‌آموزان بتوانند با تفکر و استدلال منطقی بیان‌دیشند و جواب معماهای خود را حل نمایند (زارع بیگی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۰۳).

حال باید گفت دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های همه جانبه در کشورهای توسعه یافته و تحولات به وجود آمده در زمینه‌های ارتباطات و فناوری‌های اطلاعات و به دنبال آن شیوه‌ها و ابزارهای آموزشی، نقش معلمان را در فرایند یاددهی — یادگیری از حالت سنتی خارج کرده و شکل

نوبنی به خود گرفته است. در روزگار ما نیز تاریخ بی نیاز از تحول و تغییر نیست. تکنولوژی جدید در عرصه سمعی و بصری و نیز تجهیزات الکترونیکی و ارتباطی تحولی اساسی در امر آموزش تاریخ پدید آورده و عرصه‌های نوینی را پیش روی بشر قرار داده است. بسیاری از کشورها تحت تأثیر تحولات تکنیکی یا ناگزیری بازسازی سیاسی و فرهنگی خود یا به ضرورت توسعه همه جانبه و نیازهای جدید جمعیتی خویش، اقدام به بازنگری در مبانی تاریخی خویش و نوگرایی در زمینه آموزش تاریخ کرده‌اند.

بازنگری در شیوه‌های آموزش تاریخ در مدارس از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و دانش‌آموزان این سرزمین باید از روش‌ها و شیوه‌های متنوع و نوین با واقعیت‌ها و جذابیت‌های تاریخی آشنا شوند (ملکشاهی و شاه‌رخ، ۱۴۰۱: ۸۴ و ۸۵). گفتنی است نیاز به نوآوری و خلاقیت در هر کلاس درسی لازم است. اگر فرض بگیریم که با روش‌های جدید و کاربردی میتوان تدریس مؤثرتری در درس تاریخ داشت، باید گام‌های جدی در این زمینه برداشت. روش‌های تدریس در ایران اغلب به حفظ محوری و محوری روی آورده‌اند. در حالی که روش تدریس در کشورهایی مثل انگلستان و هندوستان کیفیت محور است (همان: ۸۳ و ۸۴). با توجه به تغییرات روزافزون در دنیای آموزش و نیاز به پرورش مهارت‌هایی فراتر از دانش صرف، استفاده از روش‌های نوین تدریس در آموزش تاریخ امری ضروری به نظر می‌رسد. این روش‌ها با تمرکز بر فعال‌سازی دانش‌آموز تقویت تفکر انتقادی و تشویق به پرسشگری، می‌توانند تأثیر عمیقی بر ارتقاء مهارت‌های فراشناختی فراگیران داشته باشند.

پیشینه پژوهش

زارع بیدکی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «آموزش علوم و نقش آن بر رشد مهارت‌های فراشناختی با محوریت روش تدریس کاوشگری» که با روش توصیفی و از نوع ارزشیابی انجام پذیرفته، ضمن تأکید بر روش‌های تدریس، اذعان دارند که با بکارگیری این روش‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند یاد بگیرند تا درباره فرآیندهای فکری خودشان فکر کنند، آگاهی به دست آورند و روش‌های خاصی را در خلال حل مسائل به کار برند که یادگیری دقیق‌تر، کامل‌تر و پایدارتر می‌شود و نتایج سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و پرورش در جهت رشد و ترقی جامعه، مطلوب‌تر خواهد بود.

ملکشاهی و شاه‌رخ (۱۴۰۲)، در پژوهشی تحت عنوان «درآمدی بر روش‌های نوین تدریس تاریخ در مدارس کشورهای مختلف» که با روش کتابخانه‌ای و توصیفی می‌باشد، اشاره داشتند که روش پژوهش محور، مراجعه به منابع تاریخی، روش ایفای نقش، استفاده از ICT و بهره گرفتن از تاریخ محلی از جمله مهم‌ترین روش‌های فعال و نوین آموزش تاریخ می‌باشند.

همچنین آن‌ها بر این باورند که نقش معلم در تدریس بیشتر راهگشا و راهنما است و سهم بیشتر آموزش را، دانش‌آموز به دوش می‌کشد و معلم او را برای کشف هر آنچه باید فراگیرد، آماده می‌سازد؛ بنابراین معلم باید در فرآیند یاددهی - یادگیری، روش‌های فعال تدریس را به کار ببرد.

موسوی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر روش تدریس کاوشگری در درس تاریخ بر مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان» که به کمک پرسشنامه و در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است؛ ذکر کرده‌اند هرچه قدر که معلم در جریان تدوین فعالیت‌های آموزشی و تجربه‌های یادگیری باشد، به میزان بیشتری فراگیر را محور آموزش قرار داده و در عین حال آموزشی انعطاف‌پذیر، مشارکت‌جو، متنوع و تحلیلی فراهم کند، به همان میزان شاهد رشد بیشتر مهارت‌های فراشناخت در فراگیران خواهد بود.

مقرب‌الهی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان «روش‌های نوین تدریس»، دریافته است که روش‌های نوین تدریس در استفاده موثر از دانش فراگیران اهمیت زیادی دارند و معلمان به واسطه بکارگیری این روش‌ها می‌توانند فرایند یادگیری را تسهیل کنند البته باید به نحوه و شرایط استفاده از این روش‌ها توجه شود تا بازدهی لازم را داشته باشند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به جدیدترین پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه آموزش تاریخ و مهارت‌های فراشناختی و در نهایت تحلیل و تفسیر این منابع و با هدف بررسی ضرورت کاربرد و استفاده از روش‌های نوین تدریس از جانب معلمان انجام گرفته است.

پژوهش توصیفی، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اصطلاح پژوهش توصیفی به سوالات تحقیق، طراحی مطالعه و تجزیه و تحلیل داده‌ها در مورد آن موضوع اشاره دارد.

جهت انتخاب منابع علمی و معتبر از سایت‌ها و منابع معتبری مانند: (Scopus, Google scholar, Elsevier) نیز استفاده شده است.

مفاهیم نظری پژوهش

آموزش

آموزش و تربیت از جمله الزاماتی است که با شروع زندگی اجتماعی در جوامع انسانی شکل گرفته و امروزه به صورت یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه پایدار در جوامع مختلف درآمده است، تاجایی که اغلب صاحب نظران بر این عقیده‌اند که اگر نظام آموزش و پرورش به نحو صحیح و مناسبی اجرا شود می‌توان بر بسیاری از مشکلات فائق آمده و جامعه را به سوی پیشرفت و تعالی در جنبه‌های مختلف توسعه پایدار سوق داد. از این رو موفقیت در نظام آموزش و پرورش مستلزم برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی است و یکی از محورهای اساسی که در این موفقیت نمود بسیاری پیدا می‌کند، ایجاد برنامه‌های درسی و آموزش مناسب در جهت تربیت نیروی انسانی کارآمد است (صادقی، ۱۳۹۶: ۸۰).

در واقع آموزش یکی از مسائل بسیار مهم نظام‌های تعلیم و تربیت است منظور از آموزش، فرآیند دو سویه یاددهی-یادگیری، اطلاعات مهارت‌ها و نگرش‌های مثبت درباره موضوعی است که متناسب با گروه سنی خاص و در شرایط زمانی معین به اجرا در آمده است امروزه هدف از تعلیم و تربیت تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست؛ بلکه رسالت نظام‌های آموزشی را ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش‌ها شناخت‌ها و در نهایت رفتار انسان‌ها دانسته‌اند روش‌های تدریس نیز به عنوان یکی از عوامل به کمک این رسالت آمده است هدف نهایی تدریس به وسیله مجموعه‌ای از تکالیف مشتمل بر آگاهی و معلومات مشخص و ساخت فکری و فرآیندهای شناختی تعیین شده است (مقرب‌الهی، ۱۳۹۱: ۴۸).

در همین راستا «براون» و «اتکینس» آموزش را به عنوان فراهم آوردن فرصت‌هایی برای یادگیری دانش‌آموزان تعریف کرده‌اند معمولاً فعالیت‌هایی را که معلم به قصد آسان کردن یادگیری در فراگیران به تنهایی یا به کمک مواد آموزشی انجام می‌دهد آموزش می‌نامند چه این معلم در دبستان چه در دبیرستان چه در دانشگاه و یا در یک دوره کوتاه کارآموزی به آموزش مشغول باشد (صادقی، ۱۳۹۶: ۸۱).

آموزش نه یک نهاد است و نه یک دوره؛ بلکه آموزش مجموعه فعالیت‌هایی است که در خدمت پرورش و کارآموزی قرار می‌گیرد، معمولاً به فعالیت‌هایی که معلم به تنهایی یا به کمک مواد آموزشی انجام می‌دهد آموزش می‌گویند. او آموزش را به این صورت تعریف می‌کند: آموزش به هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۷۲: ۱۵۰).

آموزش نه تنها از حقوق اولیه و اصلی انسان است؛ بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست. مهم‌ترین رکن توسعه در ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی، آموزش است که

سازندگی و بهبود و تعالی انسان را به همراه دارد آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری و به منظور ایجاد تغییرات نسبت پایدار در فرد تا او را قادر به انجام کار و بهبود بخشی توانایی‌ها تغییر مهارت‌ها، دانش، نگرش و رفتار اجتماعی کند؛ بنابراین آموزش به مفهوم تغییر دانش نگرش و تعامل با فراگیران است. آموزش مستلزم استفاده از برنامه‌های پیش بینی شده‌ای است که شایستگی‌های موجود در فراگیران را تقویت و موجب کسب دانش مهارت و توانایی‌های تازه در فرد می‌شود به گونه‌ای که بهبود عملکرد شغلی را است. این دو واژه "Teaching" یا "Instruction" تسهیل می‌کند کلمه آموزش معادل واژه انگلیسی در انگلیسی به معنای، آموزش تعلیم و تدریس آمده‌است تدریس و آموزش در اصطلاح، از هم متفاوتند که به آن اشاره خواهیم کرد همچنان آموزش به معنی، آموختن یاددادن و تعلیم در برابر تربیت نیز می‌باشد؛ بنابراین آموزش به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت یک کنش متقابل جریان می‌یابد. با تغییر نیازهای جوامع و پیشرفت علوم تربیتی روش‌های آموزش -یاددهی یادگیری نیز دچار تحولات اساسی شده‌اند این روش‌های نوین که می‌توان آنها را فراشناختی، خواند نوعی استراتژی آموزشی هستند که معلم طی آن فراگیران را متوجه مجهولات ذهنی می‌کند و این مجهولات از طریق مراحل مانند مطالعه مشاهده مباحثه و نتیجه گیری تبدیل به معلوماتی عمیق تر و بادوام تر می‌گردد (صادقی به نقل از خورشیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۱).

آموزش تاریخ

یکی از درس‌های مهم در نظام آموزشی هر کشور از جمله ایران درس تاریخ است. تاریخ هر ملتی نمادی از هویت آن ملت است که در شکل‌گیری شخصیت و هویت جوانانش نقش اساسی دارد کشور ایران نیز دارای تاریخی بسیار طولانی است و قدمت تمدنی آن به چندین هزار سال می‌رسد. آثار تاریخی به جا مانده از این تمدن پرشکوه بسیار متنوع و فراوان است. حال شناخت این دنیای گسترده تاریخی، آموزش و تعلیم و تربیتی مستمر و عمیق را می‌طلبد (خیراندیش، ۱۳۷۹: ۲).

قرآن کریم نیز به دفعات انسان‌ها را به مطالعه تاریخ دعوت کرده‌است که این امر نشان از اهمیت مطالعه و فراگیری علم تاریخ دارد. اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ در سه حیطه ی تاریخ و هویت‌بخشی، تاریخ و وحدت ملی و تاریخ و عبرت‌آموزی بررسی می‌شود (پرهون، ۱۳۸۲: ۳۶). آموزش تاریخ در ایران در دوران مدرن ریشه در دوران قاجار دارد، زمانی که نظام مدارس نوین پایه‌گذاری شد و نخستین کتاب درسی که بتوان نام تاریخ را بر آن نهاد توسط محمدعلی فروغی تدوین و منتشر شده‌است (کریمی به نقل از ماخانی، ۱۴۰۰: ۶۹). از آن زمان تاکنون

آموزش تاریخ در مدارس ایران و تمامی سطوح آموزشی مورد توجه قرار گرفته‌است با این حال شاهد تغییرات چشمگیر در محتوا و روش‌های تدریس این علم در برنامه درسی نیستیم. در آموزش این علم در کشورمان چالش‌ها و مسائل بسیار مطرح می‌باشد که هنوز هم تغییراتی اساسی در حل و بهبود آنها صورت نگرفته‌است (کریمی به نقل از چنگائی، ۱۴۰۰: ۶۹). در پژوهشی با موضوع چالش‌های آموزش تاریخ در ایران محتوا روش‌های تدریس تاریخ و روش‌های ارزشیابی را سه چالش اصلی آموزش تاریخ در مدارس ایران برمی‌شمارد و نتیجه می‌گیرد که شیوه آموزش درس تاریخ در ایران بیشتر روش سنتی سخنرانی یا روخوانی کتاب است و این روش دزدگی و حتی تنفر نسبت به درس تاریخ را در دانش آموزان ایجاد می‌کند در حالی که برای ایجاد قدرت تفکر، پرسشگری، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دانش‌آموزان باید قالب خشک تدریس را که به فضای کلاس، کتاب و معلم محدود می‌شود شکست و به روش‌های دیگری روی آورد در واقع در عصر اطلاعات، انتقال اطلاعات نباید هدف باشد؛ بلکه تحلیل و پردازش اطلاعات هدف است و این نیز ضمن استفاده از روش‌های نوین تدریس به اصلاح رویکردهای اساسی نیاز دارد (کریمی، ۱۴۰۰: ۶۹). در واقع آموزش تاریخ با استناد به منابع مکتوب و غیرمکتوب تاریخی به شرح و توصیف وقایع گذشته می‌پردازد.

تاریخ انباشته‌ای از تجربه‌های گذشتگان است و یکی از بهترین وسایل تربیت جوانان محسوب می‌شود. تربیتی که از مطالعه تاریخ و تفکر در مورد آن حاصل می‌شود بسیار موثر می‌باشد. در عین حال تاریخ رابط بین نسل‌های گذشته با نسل حاضر و نسل‌های آینده است و رابط زمان گذشته با حال و آینده به شمار می‌رود بدون تردید ریشه وقایع زمان حاضر در گذشته‌است و اگر ما از این نظر گذشته را مورد مطالعه قراردهیم نه تنها فقط خاطرات درگذشتگان را مرور نکرده‌ایم؛ بلکه تاریخ را علمی زنده و پویا می‌بینیم. یکی از برنامه‌های درسی مهم در نظام آموزشی کشورها از جمله ایران درس تاریخ است که اهداف مشخصی را دنبال می‌کند هدف اساسی تدریس تاریخ بکارگیری تجارب نیاکان و ایجاد علایق پایدار و متداوم به مطالعه گذشته در شاگردان است تا این عادت در شاگردان ایجاد شود که تاریخ را برای لذت بردن مطالعه کنند. درس تاریخ شاگردان را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد و زمینه را برای رشد تفکر فراهم می‌کند از مهم‌ترین رسالت‌های این دروس آشنایی کلی با گذشته سرزمینی است که در آن زندگی می‌کنند (چنگایی، ۱۳۹۹: ۸۹).

مطالعه تاریخ موجب رشد عقلانی و روانی جوانان می‌شود و آنان را به اندیشه و امید و می‌دارد و فواید تربیتی و اخلاقی چشم‌گیری برای ایشان دارد. مطالعه تاریخ ما را به چگونگی و چرایی وضعیت کنونی‌مان آشنا می‌سازد و در نتیجه درک حال را برایمان آسان تر می‌نماید.

یکی از اهداف آموزش تاریخ کسب سواد تاریخی توسط یادگیرنده می‌باشد سواد تاریخی عبارت است از آنکه نه تنها در مورد وقایع تاریخی مطالبی فراگرفته‌شود؛ بلکه از استدلال و تفسیر نیز برای فهم تاریخ استفاده شود. در این تعریف بر توجه به هدف در آموزش تاریخ و نیز توانمندسازی افراد از جهات، فردی، اجتماعی، نگرشی و ذهنی و ... تأکید می‌شود (ملکشاهی و همکاران به نقل از شهسواری، ۱۴۰۲: ۸۲ و ۸۳). دستیابی به سواد تاریخی بر این دیدگاه استوار است که تاریخ یک درس نیست که فقط افراد در دوره مدرسه و دبیرستان مجبور به مطالعه آن باشند؛ بلکه فهم گذشته، بخشی از زندگی هر فرد در سراسر زندگی اش و ضرورتی برای هر شهروند آگاه و مسئول در دنیای امروز است. دانستن آنچه در گذشته رخ داده توانایی فراهم آوردن اطلاعات درباره گذشته از منابع مختلف توانایی تجزیه و تحلیل اسناد شواهد و مدارک فهم زبان تاریخ و مفاهیم اصلی تاریخ و توانایی برقراری ارتباط با گذشته و امروز از عمده ترین ارکان سواد تاریخی‌اند و برای رسیدن به این مهم باید از روش‌های نوین تدریس تاریخ بهره گرفت (ملکشاهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۲ و ۸۳).

تدریس و روش‌های تدریس نوین

تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرش‌ها، گرایش‌ها، باورها، عادت‌ها و شیوه‌های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می‌خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم را در برمی‌گیرد (مقرب الهی به نقل از میرزا محمدی، ۱۳۹۱: ۵۰). به عبارت دیگر تدریس به فعالیتی گفته می‌شود که بر ارتباط کلامی و درگیرانه دبیر با شاگرد جهت شرح مباحث مبتنی است و بواسطه آن تغییر رفتار تحصیلی در دانش‌آموزان انجام می‌پذیرد. دبیران در تصمیم‌گیری برای استفاده از روش‌های تدریس و انتخاب مناسب‌ترین آنها باید به عواملی مانند انتظارات خود و نظام آموزش از یادگیرندگان، امکانات، فضا، زمان، تعداد یادگیرندگان و غیره توجه داشته‌باشند (تنها و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸۸ و ۳۸۹).

تدریس را می‌توان تعامل یا رفتار متقابل معلم و دانش‌آموز، براساس طرحی منظم و هدفدار برای ایجاد تغییر در رفتار دانش‌آموز تعریف کرد. همچنین باید گفت یکی از اساسی‌ترین مسائل تعلیم و تربیت توجه به شیوه‌های تدریس است. انتخاب روش تدریس یکی از مراحل مهم برنامه آموزشی است. معلم باید بعد از انتخاب محتوا روش مناسب تدریس خود را انتخاب کند؛ زیرا روش تدریس معلم چگونگی فعالیت دانش‌آموزان را برای رسیدن به اهداف آموزشی مشخص می‌سازد. در واقع به مجموعه تدابیر منظمی که معلم برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ می‌کند، روش تدریس می‌گویند. معلم بدون شناخت روش‌های مختلف تدریس

هرگز قادر به انتخاب صحیح آن نخواهد بود. او هر اندازه که با روش‌های مختلف تدریس آشنا باشد، در موقعیت‌های مختلف برای رسیدن به مقاصد آموزشی، آزادی عملی بیشتری خواهد داشت. از نظر بسیاری از دانش‌آموزان یادگیری درس تاریخ، نسبتاً دشوار است به این دلیل که، آنها غالباً در خواندن و فهم متون درسی تاریخ مشکل دارند. معلم راهنمای مهمی در فرایند یادگیری است؛ زیرا اوست که در حوزه مطالعه تخصص دارد؛ بنابراین مدرس مجبور است، علاوه بر ایجاد محیط‌های آموزشی، در یادگیری نیز، آنها را کمک و راهنمایی کند (ملکشاهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۲ و ۸۳).

در واقع سبک تدریس شامل صداها، ژست‌ها و حرکات برای برانگیختن و حفظ توجه و برای تحریک احساسات دانش‌آموزان به هنگام تدریس می‌باشد. همانند نوازندگان، معلمان باید یک حس قوی و بسیار بالا را به دانش‌آموزان منتقل کنند (تنها و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸۸ و ۳۸۹). اگر محتوای آموزشی با بهترین روش‌ها تدریس نشود، کارآمد نخواهد بود. به نظر می‌رسد چگونگی تدریس از محتوای آن مهم‌تر است؛ زیرا متون آموزشی همه‌جا یافت می‌شود، اما راهبردها و شیوه‌های تدریس خوب می‌تواند تضمین‌کننده یادگیری باشد. انتخاب روش تدریس یکی از مراحل مهم طراحی آموزشی است. معمولاً معلم بعد از انتخاب محتوا و قبل از تعیین وسیله باید خط مشی و روش تدریس مناسب خود را انتخاب کند؛ چون خط مشی معلم و روش تدریس او چگونگی فعالیت شاگردان را برای رسیدن به هدف‌های آموزشی مشخص می‌سازد (زارع بیدکی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱۱ و ۵۱۲).

روش‌های نوین در حیطه آموزش و تدریس به مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تکنیک‌هایی اطلاق می‌شود که به منظور بهبود فرآیند یادگیری و تدریس طراحی شده‌اند. این روش‌ها عمدتاً بر مبنای تحقیقاتی که در زمینه‌های روانشناسی یادگیری، علم شناختی و فناوری‌های نوین صورت گرفته، توسعه یافته‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز این روش‌ها، تمرکز بر یادگیرنده به عنوان مرکز فرآیند یادگیری است. در این شیوه‌ها، دانش‌آموزان به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در یادگیری خود دیده می‌شوند و به جای صرفاً شنیدن، به فعالیت، پرسش و تفکر درباره مواد درسی می‌پردازند (علیزاده، ۱۴۰۴: ۱).

یکی از جنبه‌های کلیدی در روش‌های نوین، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات است. معلمان می‌توانند از ابزارهای دیجیتال مانند تابلوهای هوشمند، برنامه‌های آموزشی و منابع آنلاین برای جذاب‌تر کردن فرآیند تدریس بهره ببرند. این فناوری‌ها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند اطلاعات را به‌طور سریع و مؤثر جستجو کرده و مسائل را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند. به عنوان مثال، استفاده از ویدیوهای آموزشی و پلتفرم‌های آنلاین می‌تواند به درک بهتر مفاهیم کمک کند و فضایی تعاملی برای یادگیری ایجاد کند (همان: ۱).

از جمله مزایای روش‌های نوین می‌توان به فردی سازی فرآیند یادگیری اشاره کرد. معلمان می‌توانند با توجه به نیازها و سطوح مختلف دانش‌آموزان، روش‌های تدریس و فعالیت‌های مختلفی را طراحی کنند. این کار به دانش-آموزان این امکان را می‌دهد که با سرعت و شیوه‌های خود یاد بگیرند و احساس موفقیت بیشتری در فرآیند یادگیری خود داشته باشند. تأکید بر بازخورد مستمر و ارتقاء فرهنگ یادگیری در این روش‌ها بسیار حائز اهمیت است. معلمان می‌توانند به وسیله نظرات و بازخوردهای سازنده، دانش‌آموزان را در مسیر یادگیری هدایت کنند و به آنها کمک کنند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کنند. این بازخوردها نه تنها به بهبود عملکرد دانش‌آموزان کمک می‌کند؛ بلکه به ایجاد فضایی مثبت برای یادگیری نیز منجر می‌شود. استفاده از روش‌های نوین تدریس در درس تاریخ، تأثیرات چشمگیری بر فرآیند یادگیری دانش‌آموزان دارد. این روش‌ها که بر اساس رویکردهای فعال، تعاملی و فناوری محور طراحی شده‌اند، می‌توانند به بهبود درک مفاهیم، افزایش انگیزه و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی کمک کنند. با توجه به اهمیت تاریخ در شکل‌گیری الگوهای فکری و فرهنگی دانش‌آموزان، به کارگیری این روش‌ها ضروری به نظر می‌رسد (همان: ۲).

در مجموع باید اذعان داشت دبیران با داشتن سبک و روش نو و بدیع در تدریس، می‌توانند به فرایند رشد یادگیری دانش‌آموزان کمک نمایند. با توجه به اینکه تنوع تحصیلی و انتظارات دانش‌آموزان در راستای فهم بهتر مطالب دچار تغییرات اساسی شده‌است از همین رو، دبیران باید با به کارگیری روش‌های نوین تدریس به شکل‌گیری رفتار نوآورانه خود کمک نمایند (تنها و همکاران به نقل از دولین و سامارایکوما، ۱۴۰۲: ۳۸۸ و ۳۸۹).

مهارت‌های فراشناختی و مؤلفه‌های آن

یکی از موضوعات اصلی روانشناسی و تعلیم و تربیت، فراشناخت است. اگرچه بیش از دو دهه از حضور فراشناخت در فرهنگ واژگان روانشناسی نمی‌گذرد اما شواهد گسترده، حاکی از جایگاه ویژه آن نزد محققان و صاحب نظران بین‌المللی است (سعادت‌ی شامیر و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰، به نقل از فوالدچنگ، ۴۹۹۴).

فراشناخت، مفهومی مهم در تئوری شناختی است و دو فرآیند اساسی دارد که همزمان باهم اتفاق می‌افتد: یادداشت کردن پیشرفت در حین یادگیری و ایجاد تغییر در روش‌های یادگیری، در صورتی که مطلب خوب یاد گرفته نشود. فراشناخت شامل خود سازماندهی، خود پاسخ‌دهی و ابتکار است. باورهای فراشناختی مفهومی بسیار عمیق و گسترده است که بسیاری از رفتارهای انسانی، از آن تأثیر می‌پذیرند. نمونه‌هایی از رفتارهای انسانی متأثر از باورهای فراشناخت در تعلیم و تربیت و بسیاری از فرآیندهای تحصیلی مانند یادگیری خود راهبر

دانش‌آموزان نقشی بسزا دارد (سعادت‌ی شامیر و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰، به نقل از فیشر). اصطلاح فراشناخت، برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ توسط جان فلاول وارد حیطه روانشناسی شناختی شد. وی این اصطلاح را به عنوان هرگونه دانش یا عمل شناختی که موضوع آن فعالیت‌های شناختی و تنظیم آن است، تعریف می‌کند. درباره ابعاد فراشناخت دو مدل عمده مطرح است. در مدل اول که توسط فلاول طراحی شده‌است؛ فراشناخت دارای دو بعد دانش فراشناختی و تجارب فراشناختی است. دانش فراشناختی به معنای دانش و باورهای فرد درباره عوامل یا متغیرهای شناختی است که به‌طور متقابل با هم در تعامل‌اند. این متغیرها عبارتند: از مقوله شخص، مقوله تکلیف و مقوله راهبرد.

بعد دوم فراشناخت تجارب فراشناختی است که احساس فرد درباره درک و فهم پدیده‌هاست. البته بعدها فلاول این بعد را نظارت و خود تنظیمی شناختی نامید که حاصل تعامل چهار متغیر است (یزدی و عالی، ۱۴۰۰: ۷۴).

فراشناخت را می‌توان یادگیری چگونه یادگرفتن دانست و به طور تخصصی می‌توان فراشناخت را نحوه نظارت بر تفکر و یادگیری و چگونگی بکارگیری آن در عمل دانست، به عبارت دیگر، معنای اصلی فراشناخت، شناخت در مورد شناخت است.

فراشناخت توانایی آگاهی ما از آنچه می‌دانیم و آنچه نمی‌دانیم است. اصطلاح فراشناخت به معنی آگاهی از یادگیری خویشتن یا چگونگی یادگرفتن است. بسیاری از محققین معتقدند که مهارت‌های فراشناختی نقش مهمی در انواع فعالیت‌های شناختی از جمله تبادل کلامی، اطلاعات، درک مطلوب خواندن، انگیزش پیشرفت، درک کلامی، نوشتن، زبان آموزی، ادراک، توجه، حافظه، حل مسئله، شناخت اجتماعی و ... بازی می‌کند (جوآنمرد و همکاران، ۱۳۹۳).

ناصری و همکاران به نقل از براون (۱۹۸۰) اذعان دارند که فراشناخت عبارتست از دانشی که مردم درباره فرآیندهای تفکرشان دارند و از آنجائی که فراشناخت فرد را برای کنترل مهارت‌های شناختی‌اش قادر می‌سازد، یک عنصر ضروری از یادگیری ماهرانه است. فراشناخت توانایی یادگیرنده برای آگاهی از قابلیت‌های شناختی و کاربرد این قابلیت‌ها برای یادگیری می‌باشد. تمرین از طریق کاربرد راهبردها به یادگیرندگان اجازه می‌دهد که آنها پیشرفتشان را ارزیابی کنند و رویکرد یادگیریشان را تنظیم کنند. راهبردهای فراشناختی شامل تکنیک‌هایی هستند که دانشجویان برای طراحی یادگیری، نظارت بر فعالیت‌های یادگیری و برای ارزیابی نتایج فعالیت‌های یادگیری استفاده می‌کنند. این راهبردها برای یادگیرندگان ابزارهایی را جهت خود مدیریت و خود تنظیمی به منظور دستیابی به نتایج یادگیری مطلوب فراهم می‌کنند. راهبردهای شناختی مربوط به روش‌هایی هستند که مستقیماً روی موضوعات یادگیری کار می‌کنند و تمایل به افزایش تفسیر، فهم و اکتساب اطلاعات دارند. فرآیندهای شناختی، باعث

تقویت فرآیند تفکر از طریق راهبردهای یادگیری متنوع می‌شوند و برای دستیابی به اهداف شناختی مانند درک مطلب و حفظ کردن کمک‌کننده هستند (ناصری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۶). فراشناخت، به طور اجمالی به هر نوع آگاهی یا فرایند شناختی گفته می‌شود که نظارت و کنترل همه جنبه‌های شناخت را به عهده دارد. توجه به این مفهوم سابقه‌ای طولانی دارد اما مطالعات مربوط به فراشناخت برای نخستین بار، در دهه ۱۹۷۰ با کار فلاول و همکارانش، روی تغییرات رشدی شناختی کودکان در مورد حافظه فرا ارتباطات، به طور گسترده‌ای اهمیت یافت. اگرچه نظریه پردازان در مورد چگونگی شناسایی بعضی از جنبه‌های فراشناخت اختلاف دارند (خوش گفتار مقدم و خرازی به نقل از اشنایدر و پرسلی، ۱۳۹۵: ۵). اکثر آنها تمایز شدیدی بین دانش فراشناختی و تنظیم فراشناختی قائل شده‌اند. دانش فراشناختی به اطلاعاتی اشاره می‌کند که، افراد درباره شناخت خود یا شناخت کلی دارند. تنظیم فراشناختی شامل مجموعه‌ای از کارکردهای اجرایی مانند برنامه ریزی، تخصیص منابع، نظارت، بررسی و شناسایی خطا و تصحیح است (Brown ۱۹۸۷). نلسون و نرس (۱۹۹۰) نیز تنظیم فراشناختی را به فرآیندهای نظارت و کنترل تقسیم می‌کنند (خوش گفتار مقدم و خرازی، ۱۳۹۵: ۵).

به سخن دیگر، دانش فراشناختی ما را یاری می‌دهد تا به هنگام یادگیری و دانستن امور پیشرفت خود را زیر نظر بگیریم. همچنین این دانش به ما کمک می‌کند تا نتایج تلاش‌های خود را ارزیابی و میزان تسلط خود را بر مطالبی که خوانده‌ایم بسنجیم. فراشناخت برای آگاهی موجود انسانی، از نظام شناختی خود تاکید دارد و برخلاف شناخت‌شناسی که درباره ماهیت منابع و محدودیت‌های دانش بشری بحث می‌کند، به فاعل شناسایی می‌پردازد. در این نظریه فراگیرنده تلاش می‌کند تا از نظام شناختی خود آگاه شود و راه‌های از میان بردن موانع یادگیری را بیابد و خود تنظیمی همه جانبه داشته‌باشد و از این طریق روند تفکر شناخت خود را به طور مرتب مورد بازبینی و نظارت قرارداده و انتظارات خود را از خود برآورده‌سازد. زارع بیدکی و همکاران به نقل از پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) فراشناخت را اولین مؤلفه مهم در یادگیری خودگردان دانسته‌اند و آن را شامل راهبردهای برنامه ریزی، بازبینی و اصلاح شناخت یا راهبردهای شناختی معرفی کرده‌اند. فراشناخت، حالتی نوعی از فراشناخت است که، دارای چهار مؤلفه آگاهی، راهبرد شناختی، برنامه‌ریزی و بررسی خود است (زارع بیدکی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰۹ و ۵۱۰).

فلاول (۱۹۷۶) فراشناخت را به عنوان آگاهی از شناخت و فرآیندهای شناختی و، کنترل تنظیم و بازبینی فعالانه شناخت تعریف کرد. براون (۱۵) ۱۹۸۵ فراشناخت را به دو صورت آگاهی فرد از فعالیت‌ها یا فرآیندهای شناختی خود و روش‌های به کار رونده برای تنظیم فرآیندهای شناختی بیان می‌کند. رابطه مفهوم فراشناخت به عنوان مفهومی متداول، در تربیت

با فرآیند یادگیری انکارناپذیر است. پژوهشگران و متخصصان تربیت به‌طور گسترده، به نوع و سطح دانش مورد نیاز دانش آموزان علاقمند هستند و این مستلزم تأکید نظام‌های آموزشی بر آموزش فراشناختی است تا دانش‌آموزان بتوانند در برخورد با مسائل گوناگون به‌طور مستقل بیاندیشند. فراشناخت به استعداد درک و کنترل مطلب مورد یادگیری گفته می‌شود و نقش بسیار مهمی در بهبود و گسترش عملکردهای شناختی دارد و می‌تواند یادگیری دانش‌آموزان را توسعه بخشد (همان: ۵۱۰-۵۰۹).

مؤلفه‌های فراشناخت

مؤلفه‌های فراشناخت را به طرق گوناگون توصیف کرده‌اند. فلاول (۱۹۷۸) تأکید دارد که این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: دانش درباره فرد، تکلیف و راهبرد. مؤلفه‌های مورد تأیید براون (۱۹۸۱) نیز، عبارت‌اند از طرح ریزی، نظارت و بازبینی. پاریس و وینوگرا (۱۹۸۴) معتقدند که فراشناخت دو جنبه اصلی را در برمی‌گیرد که عبارت‌اند از دانش و کنترل خود و دانش و کنترل فرایند. پینتریچ و همکاران (۱۹۹۱) راهبردهای فراشناختی را، به دو مؤلفه تفکر انتقادی و خودنظم‌دهی فراشناختی تقسیم می‌کند:

الف) تفکر انتقادی تفکر انتقادی که عبارت‌اند از: به کار بردن دانش و اطلاعات قبلاً فراگرفته‌شده در موقعیت‌های جدید و ارزشیابی اندیشه‌های موجود در یک موضوع درسی است. ب) خودنظم‌دهی فراشناختی یکی از راهبردهای مهارت‌های فراشناختی خودنظم‌دهی است که به فراگیرنده کمک می‌کند تا شناخت خود را نظارت هدایت و اداره نماید. راهبردهای فراشناختی به عنوان جنبه‌های خیلی مهم راهبردهای یادگیری شناخته شده‌اند. بر طبق نظر بودنزو همکاران (۱۹۹۲) فراشناخت دو جنبه اساسی را در برمی‌گیرد؛ نخستین جنبه این است که یادگیرنده از طبیعت تکالیف یادگیری و نیازهایش برای دسترسی به تکالیف آگاه است. دومین جنبه این است که یادگیرنده، دانش مربوط به تکمیل تکلیف یادگیری را در اختیار دارد؛ بنابراین افراد دارای راهبردهای فراشناختی دانش اطلاعات جدید و راهبردهای شناختی را دارند. از نظر بریزین (۱۹۸۰) راهبردهای فراشناختی در پنج طبقه راهبردهای نظارتی طبقه‌بندی شده‌اند: برنامه‌ریزی، توجه، رمزگردانی، مرور و ارزشیابی (بابایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴).

یافته‌ها

اهمیت و اهداف بکارگیری روش‌های نوین تدریس

با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی روش‌های تدریس قدیمی دیگر کارآمد نیستند. همانطور که گفتیم در حال حاضر نظام آموزشی وظیفه ایجاد تغییرات مطلوب در اندیشه‌ها، شناخت‌ها و رفتار انسان را بر عهده دارد. در روش‌های تدریس قدیم معلم پیشتر نقش ناظم را به عهده داشت و دانش‌آموزان نقشی در فرایند تدریس نداشتند. اما در روش تدریس نوین آموزگاران به عنوان راهنما، ناظر و سازمان‌دهنده باید شناخت کافی از نظریه‌های یادگیری و الگوهای تدریس داشته باشند. زیرا مکان‌های آموزشی محلی برای هدایت، نظارت و یادگیری به شمار می‌روند. یک معلم باید علاوه بر زمینه‌های درسی، در رابطه با روش‌های طراحی یاددهی و ارزیابی نیز آگاهی، مهارت و دانش کافی داشته باشد. مهم‌ترین ضرورت روش تدریس نوین ایجاد حس اعتماد به نفس و خودباوری در دانش‌آموزان است.

روش‌های نوین تدریس به طور کلی بر بهبود فرآیند یادگیری دانش‌آموزان و ایجاد درک عمیق‌تر از مفاهیم درسی متمرکز است. این روش‌ها با به کارگیری رویکردهای فعال و مشارکتی، سعی در ایجاد محیطی پویا و جذاب برای دانش‌آموزان دارند تا آنها بتوانند مفاهیم تاریخی را نه تنها به صورت نظری؛ بلکه به صورت عملی و کاربردی در زندگی خود به کار گیرند. یکی از اهداف اصلی این روش‌ها، افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری است. به عنوان مثال، روش‌هایی مانند یادگیری مشارکتی و بحث‌های گروهی، دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند تا در فرآیند یادگیری فعال‌تر باشند و با تبادل نظر و همفکری، مفاهیم تاریخی را بهتر درک کنند. این رویکرد نه تنها به افزایش تعامل بین دانش‌آموزان کمک می‌کند؛ بلکه باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی آنها نیز می‌شود.

یکی دیگر از اهداف روش‌های نوین تدریس، ایجاد انگیزه و علاقه در دانش‌آموزان برای یادگیری مفاهیم تاریخی است. در بسیاری از موارد دانش‌آموزان ممکن است به دلیل شیوه‌های سنتی تدریس، نسبت به درس تاریخ بی‌علاقه شوند. روش‌های نوین مانند استفاده از فناوری‌های آموزشی، بازی‌های آموزشی و روش‌های چندرسانه‌ای، به دلیل جذابیت بصری و تعاملی که دارند، می‌توانند این انگیزه را در دانش‌آموزان ایجاد کنند. به عنوان مثال، استفاده از فیلم‌های آموزشی، انیمیشن‌های تاریخی و نرم افزارهای تعاملی، می‌تواند مفاهیم تاریخی را به صورت جذاب‌تر و قابل درک‌تر به دانش‌آموزان ارائه دهد. این روش‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با علاقه بیشتری در فرآیند یادگیری مشارکت کنند و مفاهیم تاریخی را به صورت ماندگارتر یاد بگیرند.

هدف دیگر روش‌های نوین تدریس، تقویت تفکر انتقادی و توانایی تحلیل مسائل تاریخی در دانش‌آموزان است. در درس تاریخ، تنها حفظ کردن مفاهیم کافی نیست؛ بلکه دانش‌آموزان باید بتوانند این مفاهیم را تحلیل کرده و در زندگی خود به کار گیرند. روش‌هایی مانند یادگیری

مبتنی بر حل مسئله و پروژه محور، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با مسائل واقعی مواجه شوند. این روش‌ها به دانش‌آموزان امکان می‌دهند تا با تفکر عمیق تر و تحلیلگرانه‌تر، مفاهیم تاریخی را درک کنند و آنها را در زندگی روزمره خود به کار گیرند. به علاوه، این روش‌ها باعث تقویت مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری در دانش‌آموزان می‌شوند.

یکی دیگر از اهداف روش‌های نوین تدریس، شخصی‌سازی یادگیری و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است. هر دانش‌آموز با توجه به توانایی‌ها، علایق و سبک‌های یادگیری خود، نیاز به روش‌های متفاوتی برای یادگیری دارد. روش‌هایی مانند یادگیری معکوس و استفاده از پلتفرم‌های آموزشی آنلاین، به دانش‌آموزان امکان می‌دهند تا با سرعت و شیوه‌های که برای آنها مناسب‌تر است، مفاهیم تاریخی را یاد بگیرند.

این روش‌ها به معلمان کمک می‌کنند تا به صورت فردی‌تر با دانش‌آموزان کار کنند و نیازهای خاص هریک از آنها را برطرف سازند. به علاوه، این روش‌ها به دانش‌آموزان امکان می‌دهند تا در خارج از کلاس نیز به یادگیری ادامه دهند و مفاهیم تاریخی را به صورت عمیق‌تر درک کنند (علیزاده به نقل از فلدمن، ۱۴۰۴: ۶).

هدف دیگر روش‌های نوین تدریس، ایجاد ارتباط بین مفاهیم تاریخی و زندگی واقعی دانش‌آموزان است. در بسیاری از موارد، دانش‌آموزان ممکن است مفاهیم تاریخی را به صورت انتزاعی و دور از واقعیت‌های زندگی خود درک کنند. روش‌هایی مانند داستان‌های تاریخی، نمایش‌های تعاملی و بحث‌های گروهی، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا این مفاهیم را در قالب موقعیت‌های واقعی و ملموس درک کنند. به عنوان مثال، استفاده از داستان‌های تاریخی و روایت‌ها در قالب نمایش‌های تعاملی، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا مفاهیم تاریخی را به صورت عمیق‌تر و کاربردی‌تر یاد بگیرند. این روش‌های به دانش‌آموزان امکان می‌دهند تا با مفاهیم تاریخی ارتباط عاطفی برقرار کنند و آنها را در زندگی خود به کار گیرند (علیزاده، ۱۴۰۴: ۷).

یکی از اهداف اصلی روش‌های نوین تدریس، ایجاد محیطی امن و حمایتگر برای دانش‌آموزان است تا بتوانند بدون ترس از قضاوت، سؤالات و دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. در درس تاریخ، ممکن است دانش‌آموزان با سؤالات و چالش‌های فکری مواجه شوند که نیاز به بحث و گفت‌وگوی آزاد دارد. روش‌هایی مانند بحث‌های گروهی و یادگیری مشارکتی، به دانش‌آموزان امکان می‌دهند تا در محیطی امن و بدون قضاوت، سؤالات خود را مطرح کنند و با دیگران به تبادل نظر بپردازند. این روش‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با دیدگاه‌های مختلف آشنا شوند و توانایی تحلیل و نقد مسائل دینی را در خود تقویت کنند. استفاده از روش‌های نوین می‌تواند به فردی‌سازی فرآیند یادگیری اشاره کرد. معلمان می‌توانند با توجه به نیازها و سطوح مختلف

دانش‌آموزان، روش‌های تدریس و فعالیت‌های مختلفی را طراحی کنند. این کار به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که با سرعت و شیوه‌های خود یاد بگیرند و احساس موفقیت بیشتری در فرآیند یادگیری خود داشته باشند. تأکید بر بازخورد مستمر و ارتقاء فرهنگ یادگیری در این روش‌ها بسیار حائز اهمیت است. معلمان می‌توانند به وسیله نظرات و بازخوردهای سازنده، دانش‌آموزان را در مسیر یادگیری هدایت کنند و به آنها کمک کنند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کنند. این بازخوردها نه تنها به بهبود عملکرد دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه به ایجاد فضایی مثبت برای یادگیری نیز منجر می‌شود (همان: ۲).

معرفی چند نمونه از روش‌های نوین تدریس

در ادامه این پژوهش، به معرفی و بررسی تعدادی از روش‌های نوین و کارآمد تدریس در حوزه آموزش تاریخ خواهیم پرداخت. این روش‌ها که از رویکردهای فعال و دانش‌آموز-محور بهره می‌برند، پتانسیل بالایی در ایجاد تجربه‌ای جذاب و معنادار از یادگیری تاریخ دارند. تمرکز بر این است که چگونه این تکنیک‌ها می‌توانند به درک عمیق‌تر مفاهیم تاریخی، توسعه مهارت‌های تفکر و ارتقاء انگیزه فراگیران کمک کنند.

روش تدریس حل مسأله^۱

این روش یکی از روش‌های مشارکتی در تدریس است، که کاربرد زیادی دارد. گرچه برخی این روش تدریس را بیشتر، با الگوی انفرادی سازگار دانسته‌اند ولی تجربه نشان می‌دهد که کاربرد این روش به صورت گروهی موثرتر از الگوی انفرادی آن است.

در تعریف روش حل مسأله چنین آورده‌اند که حل مسأله فرآیندی است برای کشف توالی و ترتیب راه‌هایی که به یک هدف یا یک راه حل منتهی می‌شوند. پس باید توجه داشت که در فرایند حل مسأله فقط جواب اهمیت ندارد؛ بلکه فرایند رسیدن به آن نیز مورد توجه است. در این روش تدریس به دو مورد باید توجه زیاد شود:

۱. تجارب قبلی دانش‌آموزان و ایجاد شرایطی برای فراخوان آنها

۲ رسیدن به راه حلی که قبلاً برای فرد ناشناخته بوده‌است.

در مورد مراحل روش حل مسأله دو نظریه مهم وجود دارد که با ذکر آنها مسأله روشن‌تر می‌شود:

الف) نظریه و دیدگاه جان دیویی: دیویی پنج مرحله را برای حل مسأله معرفی می‌کند:

۱. مشخص کردن مساله
 ۲. حدس زدن و یا مشخص کردن علل مساله
 ۳. در نظر گرفتن تمام راه حل‌های ممکن
 ۴. انتخاب بهترین راه حل با توجه به موقعیت
 ۵. اجرای راه حل انتخابی و نتیجه‌گیری
- (ب) مدل جورج پولیا: پولیا چهار مرحله اساسی برای حل مساله در نظر می‌گیرد:
۱. مرحله درک و فهم مساله که در این مرحله داده‌ها و خواسته‌های مساله و رابطه بین آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.
 ۲. مرحله طرح‌ریزی که شامل انتخاب راهبردها و استراتژی‌های ممکن است.
 ۳. حل مساله با استفاده از راهبردهای انتخابی
 ۴. نگاه به عقب که این مرحله ماهیت فراشناختی دارد و در آن به بررسی مراحل طی شده برای حل مساله می‌پردازیم (مقرب‌الهی، ۱۳۹۱: ۵۶ و ۵۷).

روش تدریس ایفای نقش

ایفای نقش، روشی است که می‌تواند برای تجسم عینی موضوعات و درس‌هایی که برای نمایش مناسب باشند به کار رود. در این روش فرد یا افرادی از دانش‌آموزان موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا می‌کنند. ایفای نقش به معنایی که در اینجا به کار می‌رود، به مهارت‌های خاص هنری مثل بازیگری در تئاتر و سینما نیازی ندارد؛ بلکه معلم بنا به موقعیت هدف و موضوع مورد نظر به عنوان یک روش از آن استفاده می‌کند تا موجب تکوین شخصیت فردی و اجتماعی فراگیران گردد. اگر دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی کردن را کسب کنند در تمام شئون زندگی با موفقیت بیشتری زندگی می‌کنند (مقرب‌الهی به نقل از فضلی‌خانی، ۱۳۹۱: ۶۰).

در این روش دانش‌آموزان براساس علایق خویش، نقش‌های مورد نظر را انتخاب می‌کنند و با نظارت معلم و همکاری همکلاسان به ایفای نقش می‌پردازند. از این طریق، آموزش قوانین و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بهتر انجام می‌شود و به یادگیری موثر و کارآمد می‌انجامد؛ زیرا دانش‌آموزان ضمن شناخت هنجارهای اجتماعی به تحلیل آنها می‌پردازند و در حین ایفای نقش نگرش خود را تثبیت می‌کنند و نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می‌سازند. ایفای نقش به مثابه یک روش تدریس، ریشه در دو بعد شخصی و اجتماعی فرد دارد. این روش تدریس ریشه در تدریس یادگیرندگان را در تحلیل موقعیت‌های اجتماعی به صورت همیار و مشترک فعال می‌سازد. احدیان و آقازاده (۱۳۷۸) معتقد هستند، این روش تدریس موجب

می‌شود که فراگیران احساسات خود را بروز دهند؛ از بینش خود در نگرش‌ها و برداشت‌ها سود جویند، نگرش‌ها و مهارت‌های حل مسائل را گسترش دهند و مواد درسی را از طریق گوناگون بررسی کنند. این روش موجب رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل و واقعیت‌ها و از ارزش‌های اجتماعی در عمل است و افتتاح باب گفتگو درباره ارزش‌ها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه است (مقرب‌الهی به نقل از خورشیدی، ۱۳۹۱: ۶۰ و ۶۱).

روش تدریس مبتنی بر کاوشگری

روش تدریس کاوشگری را ریچارد ساچمن برای آموزش فرآیند، جستجو و توضیح پدیده‌ها تدوین کرد. الگویی که ساچمن تدوین کرده‌است، دانش‌آموزان را با فرآیندهایی درگیر می‌سازد که محققان از آنها برای سازماندهی دانش و پدیدآوری اصول استفاده می‌کنند. روش تدریس کاوشگری، به منظور رویارو ساختن مستقیم دانش‌آموزان با فرآیندهای علمی تدوین گشت. این روش بر مبنای این باور بود که باید یادگیرنده را مستقل بار آورد پدید آمده‌است. کاربرد این روش، مستلزم فعالیت به صورت کاوشگری علمی است. روش آموزش کاوشگری، با ارائه یک مفهوم نسبتاً پیچیده آغاز می‌شود. اساس نظریه ساچمن درباره روش تدریس کاوشگری به ترتیب زیر است: دانش‌آموزان آنگاه که با مسئله‌ای روبرو می‌شوند، به کاوش دست می‌زنند. آنان می‌توانند راهبردهای تفکر را یاد بگیرند و از نقش آنها در فرآیند کاوشگری آگاه گردند. همچنین گفتنی است راهبردهای تفکری را می‌توان به طور مستقیم به دانش‌آموزان آموخت. کاوشگری از طریق همیاری بر غنای تفکر می‌افزاید و دانش‌آموزان را یاری می‌کند تا درباره ماهیت روش‌ها اندیشه کنند. در فرآیند تدریس به شیوه کاوشگری، باید مفاهیم را به نحوی ارائه کرد که دانش‌آموزان نتوانند، نسبت به مفهوم بی تفاوت باشند. دانش‌آموزان پس از روبرو شدن با مسئله از معلم می‌پرسند. در این بین معلم باید با زیرکی، خود را از دادن پاسخ تشریحی به سوال برهاند. پاسخ‌های معلم باید بیشتر «بله» یا «خیر» باشد. در این حالت ضروری است که به دانش‌آموزان گفته‌شود که از معلم توضیح مفاهیم را نخواهند؛ بلکه در درجه اول در جستجوی اطلاعات و سازمان‌دهی آنها باشند (مقرب‌الهی، ۱۳۹۱: ۶۸ و ۶۹).

روش تدریس آموزش به وسیله رایانه

برخی از متخصصان آموزش و یادگیری را «سازندگی» و «ساختن» می‌نامند و ابزارها و فعالیت‌هایی را در تدریس انتخاب می‌کنند که، انواع فرصت‌ها را برای ساختن علم و معرفت در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. پولن (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند که متخصصان آموزشی هنگام انتخاب ابزارها باید به ویژگی‌هایی توجه کنند، ابزار و وسیله‌ای به کار گرفته‌شود که کل

یادگیری را تشویق و حمایت کند و از ابزارهایی استفاده شود که بعضی از مشکلات را کاهش دهد و به یادگیری بخش‌هایی که یادگیرنده به تنهایی قادر به انجام‌دادن آن نیست کمک می‌کند.

فناوری‌های الکترونیکی جزء لاینفک روش‌های یادگیری براساس دیدگاه ساخت‌گرایی می‌باشد و به عنوان عامل مهم تحولات، در کلاس درسی که حیاتی‌ترین محل تغییر و تحول است، انجام وظیفه می‌کند. دانش‌آموز و معلم است که هماهنگ با راهبردهای متعدد آموزش و یادگیری می‌توانند از آن استفاده کنند (مقرب‌الهی به نقل از ذوفن، ۱۳۹۱: ۷۰).

آموزش به کمک رایانه به موقعیت‌های آموزشی یا یادگیری اطلاق می‌شود که در آن معلم، مسئولیت اصلی و تدارک فعالیت‌های یادگیری و کنترل آن را که از طریق ارتباط مستقیم دانش‌آموز با رایانه صورت می‌گیرد، را بر عهده دارد. رایانه‌های مورد استفاده در آموزش، «ماشین آموزشی» نامیده می‌شوند. در تدریس به وسیله رایانه پیشرفت در مطالعه در کنترل ماشین است و ماشین آموزشی زمانی اجازه پیشرفت به دانش‌آموز را می‌دهد، که موفق به یادگیری در آن مرحله شده باشد؛ بنابراین ماشین‌های آموزشی (CAI) رایانه‌هایی هستند که مطالب آموزشی در آنها برنامه‌ریزی شده و فراگیر با استفاده از این ماشین‌ها مطالب آموزشی را دریافت می‌کند و فرامی‌گیرد. آموزش با کمک رایانه اصطلاحی است که به موقعیت‌های آموزشی یادگیری اطلاق می‌شود که در آن کنش‌های متقابل آموزشی مستقیماً بین رایانه و دانش‌آموز صورت می‌گیرد (مقرب‌الهی، ۱۳۹۱: ۷۰ و ۷۱).

روش تدریس پژوه گویی

پژوهه‌گویی یکی از مهم‌ترین روش‌های تدریس مدرن تاریخ در جوامع فرهنگی پیشرفته است. پژوهه‌گویی عبارت است از تعیین یک موضوع توسط معلم با دخالت مستقیم دانش‌آموز و ارائه نتایج تحقیقات در کلاس درس در این شیوه پرسشگری و اظهار نظر دیگر دانش‌آموزان الزامی است (ملکشاهی و شاهرخی، ۱۴۰۲: ۸۸).

روش تدریس شبیه سازی

شبیه‌سازی یکی از اسلوب‌های تدریس مدرن تاریخ در جوامع فرهنگی پیشرفته است. در اینجا هر دوره یا رویداد تاریخی به شکل فیلم، کارتون و عمدتاً بازی کامپیوتری شبیه‌سازی شده است. در این شیوه دانش‌آموزان به جای شخصیت داستان یا رهبر، رئیس جمهور، مؤسس یک تمدن و ... به ایفای نقش پرداخته و به جای او تصمیم می‌گیرند. تابلو کردن روش دیگر در اجرای یک حادثه تاریخی تمرین با تصویر است. در این تمرین از دانش‌آموز خواسته می‌شود در موقعیت

شخصیت‌های بازی، در حد امکان واقع‌بینانه قرارگیرند. البته قبل از تمرین، یک نقاشی یا تصویر تاریخی به دانش‌آموزان نشان داده می‌شود (ملکشاهی و شاهرخی، ۱۴۰۲: ۹۲ و ۹۳).

ضرورت توجه به مهارت‌های فراشناختی

در واقع هدف اصلی آموزش و پرورش ایجاد یادگیری در دانش‌آموزان است و یادگیری نوعی مستلزم استفاده از فرایندهایی نظیر برنامه‌ریزی به کارگیری دانش، نظارت و تنظیم و تامل است که این مؤلفه‌ها در حوزه فراشناخت قرار دارد. داوینگ و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند که فراشناخت شامل شناخت پیرامون چگونگی تحلیل تفکر این که چگونه نتایج از تحلیل استنتاج می‌گردد و این که چگونه آنچه آموخته شده است به عمل در می‌آید نیز می‌باشد. در چند دهه اخیر مطالعه فراشناخت و تأثیر آن در انجام دادن تکالیف متفاوت مدرسه، مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عملکرد تحصیلی نه تنها به دانش افراد بستگی دارد بلکه به عوامل دیگری نظیر آگاهی از راهبردهای گوناگون یادگیری چگونگی بهره‌گیری از این دانش طی انجام دادن تکالیف نیز مربوط می‌شود. فلاول (۱۹۸۱) بیان می‌کند که هدف اساسی آموزش فراشناختی، خود کنترلی و خود آموزی است تا دانش‌آموزان یادگیرندگان مستقلی شوند و بتوانند فرایندهای شناختی و یادگیری‌شان را در جهت اهداف تعیین شده خود هدایت، نظارت و اصلاح کنند، بسیاری از مشکلات یادگیری و انتقال یادگیری ناشی از فقدان مهارت‌ها و راهبردهای فراشناختی است. مهارت‌ها و راهبردهای یاد شده به فرد امکان انتخاب کنترل نظارت مدیریت و در نتیجه بهبود فرایندهای شناختی را می‌دهد، بنابراین لازم است دانش‌آموزان در زمینه مهارت‌هایی از قبیل نظم دهی نظارت بر خود برنامه‌ریزی و تعیین هدف آموزش لازم را ببینند تا بر راهبردهای شناختی مسلط شوند و پایه یادگیری‌های جدید ایجاد شود در غیر این صورت حل تکالیف جدید که قبال با آن مواجه نشده‌اند برایشان مشکل است.

آموزش شناختی مستلزم آموزش راهبردهای ویژه تکالیف است، در صورتی که آموزش فراشناختی بر آموزش فنون نظارت، ارزیابی و نحوه استفاده از راهبردهای شناختی تأکید دارد. برای شناخت این دو نوع آموزش به تفاوت آموزش فعال و انفعالی اشاره می‌شود. آموزش انفعالی به عنوان رویکردی در آموزش مهارت‌های شناختی مطرح می‌شود که روی محتوا انجام می‌گیرد. با این آموزش دانش‌آموزان از اهمیت و کارآمدی راهبردهای مورد استفاده خود اطلاعی ندارند و بر کارکرد آنها نظارت نمی‌کنند. آموزش فراشناختی رویکرد فعالانه به آموزش است که طی آن به اهمیت و موقعیت کاربرد راهبردها و فرایندهای شناختی پرداخته می‌شود دانش‌آموز می‌داند که باید زیر نکات مهم را خط بکشد و این کار برای او چه نفعی خواهد داشت و با این کار بازده یادگیری او افزایش خواهد یافت در این نوع آموزش هدایت و نظارت بر فعالیت‌ها و

فرآیندهای شناختی آموزش داده می‌شود (زارع بیدکی و همکاران به نقل از دبیری، ۱۴۰۱: ۵۱۱).

در هر حال فراشناخت نباید به عنوان هدف نهایی آموزش تلقی شود؛ بلکه باید به عنوان فرصتی برای مجهز کردن دانش‌آموزان به دانش و مهارت‌های لازم به منظور اداره یادگیری خود آنها در نظر گرفت، به طوری که آنها را در تکالیف آینده ماهر و کنجکاو بارآورد (زارع بیدکی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱۱).

بی‌تردید راهبردهای فراشناختی و خلاقیت، مقدمه‌ای برای موفقیت در تکالیف یادگیری و در نتیجه پیشرفت تحصیلی می‌شود. از طریق به کارگیری راهبردهای فراشناختی در کلاس درس علاوه بر پرورش خلاقیت می‌توان زمینه درگیری علمی، شادابی، عاطفی، سازندگی، پختگی و بلوغ فکری و خود مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در دانش‌آموزان فراهم آورد و حس اعتماد به نفس آنها نسبت به یادگیری را رشد داد و آنان را وادار ساخت تا از طریق خود راهبری به یادگیری بپردازند و در چنین شرایطی است که مدرسه توانسته‌است واقعا شاگردان را در زمینه یادگیری توانمند سازد. تقویت راهبردهای فراشناختی از جمله مهارت‌هایی می‌باشد که احتمالا می‌تواند در افزایش سطح خلاقیت و درگیر شدن با دیگر ابعاد عملکرد تحصیلی نقش داشته‌باشد؛ بنابراین راهبردهای فراشناختی یادگیری را آسان نموده، به سخن دیگر راهبردهای فراشناختی ابزار هدایت و نظارت بر راهبردهای شناختی هستند در راهبردهای یاددهی یادگیری مبتنی بر نگرش فراشناخت فکر بیش از حافظه ارزش دارد و معلم تعادلی بین امنیت روانی و آزادی برقرار می‌سازد تا دانش‌آموز بتواند ریسک کند (زارع بیدکی و همکاران به نقل از کیوانی و جعفری، ۱۴۰۱: ۵۰۵).

نقش عوامل زمینه‌ای در اثربخشی روش‌های نوین تدریس و توسعه مهارت‌های فراشناختی در آموزش تاریخ

۱) انگیزش درونی دانش‌آموزان: انگیزش درونی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر یادگیری فعال و رشد مهارت‌های فراشناختی است. امیدیان (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای نشان داد که انگیزش درونی موجب افزایش علاقه، تمرکز و پایداری دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های یادگیری می‌شود و به این ترتیب، زمینه‌ساز بکارگیری راهبردهای فراشناختی نظیر برنامه‌ریزی، خودنظارتی و بازاندیشی می‌گردد. فعالیت‌هایی که به صورت چالش‌برانگیز، مرتبط با زندگی واقعی و مبتنی بر مشارکت فعال طراحی شده‌باشند، می‌توانند انگیزش درونی را تقویت کنند (امیدیان، ۱۳۸۵)؛ بنابراین، روش‌های نوین تدریس که مشارکت دانش‌آموزان را جلب می‌کنند، می‌توانند محرک مؤثری برای انگیزش درونی باشند.

۲) توانمندی معلمان و شیوه تدریس: توانمندی و مهارت معلمان در به کارگیری روش‌های تدریس نوین، نقشی کلیدی در افزایش اثربخشی این روش‌ها دارد. کیخا (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسید که معلمان که سبک تدریس خود را به سمت حمایت از خودمختاری دانش‌آموزان سوق می‌دهند، موجب تقویت انگیزش درونی و همچنین افزایش خودتنظیمی و مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان می‌شوند. این معلمان، با ایجاد فضای باز برای پرسش، تفکر و گفتگو، زمینه را برای رشد مهارت‌های شناختی و فراشناختی فراهم می‌آورند.

۳) منابع درسی متنوع و فناوری‌های آموزشی: وجود منابع آموزشی متنوع شامل کتاب‌های درسی، رسانه‌های چندرسانه‌ای، اسناد تاریخی، نرم‌افزارهای تعاملی و ابزارهای دیجیتال به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا مطالب را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کنند و تفکر انتقادی و فراشناختی خود را پرورش دهند. موسوی (۱۳۹۹) با بررسی تأثیر روش تدریس کاوشگری در درس تاریخ دریافت که فراهم آوردن منابع متنوع و مناسب، همراه با روش تدریس فعال، موجب افزایش آگاهی فراشناختی، مهارت‌های برنامه‌ریزی و خودتنظیمی در دانش‌آموزان می‌شود.

۴) حمایت و فرهنگ مدرسه: حمایت مدرسه و فرهنگ مثبت در محیط آموزشی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در اجرای موفق روش‌های نوین تدریس مطرح است. رفاه‌طلب (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای درباره تأثیر روش‌های نوین تدریس بر مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان جزیره کیش، بیان کرد که وجود حمایت‌های سازمانی، فضای باز برای ابراز نظر و فرصت تجربه‌ورزی در مدرسه موجب افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان و تسهیل رشد مهارت‌های خودتنظیمی شناختی می‌شود. این امر همچنین باعث می‌شود معلمان با انگیزه و جسارت بیشتری از شیوه‌های خلاقانه استفاده کنند.

۵) تعامل عوامل و تحقق اهداف آموزشی: مطالعات متعددی نشان داده‌اند که ترکیب و تعامل مثبت این عوامل - انگیزش درونی، توانمندی معلمان، منابع متنوع و حمایت مدرسه - اثربخشی روش‌های نوین تدریس را به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد. پژوهشی در دانشگاه اصفهان نشان داد که به کارگیری روش‌های فعال مانند حل مسئله، پرسش و پاسخ و بحث گروهی، به شرط وجود مربیان متعهد و منابع مناسب، منجر به رشد مهارت‌های فراشناختی و خودتنظیمی در دانشجویان می‌شود (عابدینی و همکاران، ۱۴۰۰).

ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس موجود

در روش‌های تدریس سنتی و غیرفعال، فقط معلم نقش فعال را در جریان تدریس به عهده دارد و فراگیران واکنش چندانی نشان نمی‌دهد. به عبارتی فراگیر برای مدرسه است؛ نه مدرسه برای فراگیر تدریس سنتی که غالب روش‌های تدریس کنونی از آن نشأت می‌گیرد، تنها وظیفه خود

را در این می‌داند که حافظه فراگیر را از معلومات انباشته سازد و آن را به زیور علم بیاراید و با افکار بزرگ زینت بخشد (موسوی‌زاده و علشیری، ۱۳۹۵: ۵).

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های ملی و بین‌المللی نشان داده‌اند که تداوم روش‌های سنتی تدریس در آموزش تاریخ-که عمدتاً مبتنی بر انتقال یک‌سویه اطلاعات و حفظ رویدادها و تاریخ‌هاست-نه تنها توانایی تحلیل تاریخی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان را محدود می‌سازد؛ بلکه به پرورش سطوح بالای شناختی، به‌ویژه فراشناخت، نیز بی‌توجه است. در این روش‌ها، یادگیرنده معمولاً نقش منفعل دارد و از او انتظار می‌رود دانسته‌های ارائه‌شده توسط معلم را تکرار کند، نه اینکه درک تحلیلی و خودتنظیم‌شده از گذشته داشته باشد (موسوی، ۱۳۹۹).

در مقابل، رویکردهای نوین تدریس تاریخ-مانند تدریس کاوشگرانه، یادگیری مبتنی بر مسئله، استفاده از منابع اولیه، و تدریس مبتنی بر گفت‌وگو و تفکر تاریخی-بستر مناسبی برای رشد مهارت‌های فراشناختی فراهم می‌کنند. در این روش‌ها، دانش‌آموزان درگیر برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی مداوم بر فرایند یادگیری خود می‌شوند و ناگزیرند با پرسش‌هایی از قبیل «چگونه به این نتیجه رسیدم؟»، «آیا اطلاعات من قابل اعتماد است؟» یا «کدام منابع تاریخی با دیدگاه من سازگارند؟» مواجه شوند؛ این فرآیندها دقیقاً همان مولفه‌های اصلی فراشناخت‌اند (Schraw & Moshman, 1995).

پژوهش موسوی (۱۳۹۹) نیز که با رویکرد نیمه‌تجربی روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شد، نشان داد تدریس تاریخ با روش کاوشگرانه منجر به بهبود معنادار در مؤلفه‌های آگاهی فراشناختی، خودتنظیمی و راهبردهای یادگیری می‌شود. در این تحقیق، دانش‌آموزان گروه آزمایش توانستند با فعال‌سازی تفکر خودارزیاب، بین منابع مختلف تاریخی مقایسه تحلیلی انجام دهند و روایت‌های جایگزین خلق کنند؛ در حالی که گروه کنترل در چارچوب روش سخنرانی، صرفاً به بازتولید اطلاعات بسنده کردند.

آموزش معلمان برای ادغام مفاهیم فراشناختی در تدریس تاریخ، نه تنها اثربخشی یادگیری را بالا می‌برد؛ بلکه توانایی دانش‌آموزان برای تفکر انتقادی و درک چندلایه‌ای از رویدادهای تاریخی را تقویت می‌کند. در نتیجه، بازنگری در روش‌های سنتی تدریس تاریخ، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا نه تنها متناسب با تحولات شناختی قرن بیست‌ویکم نیست؛ بلکه موجب عقب‌ماندن دانش‌آموزان از رشد سطوح عالی یادگیری، به‌ویژه فراشناخت، می‌شود. اتخاذ روش‌های نوین تدریس، با تأکید بر مشارکت فعال، تحلیل، مقایسه و ارزشیابی تاریخی، راهی مؤثر برای ارتقاء یادگیری عمیق، مستقل و پایدار در آموزش تاریخ است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

بررسی ابعاد مختلف روش‌های نوین تدریس در آموزش تاریخ نشان داد که حرکت از رویکردهای سنتی به‌سوی شیوه‌های فعال، مشارکتی و دانش‌آموزمحور، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر فرایند یادگیری و توسعه مهارت‌های فراشناختی فراگیران داشته‌باشد. هدف از به‌کارگیری این روش‌ها، صرفاً انتقال اطلاعات تاریخی نیست؛ بلکه پرورش توانایی تحلیل، تفسیر، مقایسه و بازاندیشی در ذهن فراگیران است. در این راستا، روش‌هایی مانند یادگیری مبتنی بر مسئله، آموزش تعاملی، روایت‌گری تاریخی، استفاده از منابع چندرسانه‌ای و فناوری‌های نوین، بستر مناسبی برای مشارکت فعال یادگیرندگان و درگیر شدن آنها با فرایندهای شناختی و فراشناختی فراهم می‌آورند.

تقسیم‌بندی روش‌های نوین تدریس و بررسی شیوه‌های اجرای هریک نشان داد که میزان اثربخشی آنها وابسته به نحوه به‌کارگیری و تناسب آنها با شرایط سنی، محتوای درسی و زمینه‌های یادگیری است. در صورتی که این روش‌ها با طراحی آموزشی مناسب، اهداف مشخص، و ارزشیابی مستمر همراه باشند، می‌توانند یادگیری را عمیق، پویا و پایدار سازند.

توجه به اهمیت مهارت‌های فراشناختی در آموزش تاریخ، به‌ویژه در دنیای کنونی که با حجم انبوهی از اطلاعات مواجه‌ایم، امری ضروری است. مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی ذهنی، خودنظارتی، خودارزیابی و انعطاف‌پذیری شناختی، فراگیران را برای مواجهه با چالش‌های فکری و تصمیم‌گیری‌های مستقل آماده می‌سازد. این مهارت‌ها سبب می‌شوند فراگیران نه‌تنها حافظ وقایع تاریخی، بلکه تحلیل‌گر تحولات و پیامدهای آنها نیز باشند.

افزون بر این، عوامل زمینه‌ای مانند: انگیزش درونی دانش‌آموزان، مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، میزان دسترسی به ابزارها و فناوری‌های آموزشی، محتوای به‌روز و متنوع و فرهنگ حاکم بر کلاس درس، نقش بسزایی در موفقیت این روش‌ها دارند. بدون وجود این زیرساخت‌ها، حتی بهترین شیوه‌های تدریس نیز ممکن است ناکارآمد جلوه کنند؛ بنابراین، برای ارتقای کیفیت آموزش تاریخ و رشد مهارت‌های فراشناختی در فراگیران، رویکردهای نوین تدریس باید به‌صورت نظام‌مند و با برنامه‌ریزی دقیق در نظام آموزشی نهادینه شوند.

پیشنهادهای

۱. طراحی و اجرای دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان تاریخ با محوریت روش‌های نوین تدریس و مهارت‌های فراشناختی.
۲. بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی تاریخ با تأکید بر پرسش‌محوری، تحلیل تاریخی و تفکر انتقادی.

۳. استفاده گسترده از ابزارهای فناوری آموزشی، ویدیوهای مستند، نقشه‌های تعاملی و نرم‌افزارهای تحلیل تاریخی در کلاس‌های درس.
۴. طراحی فعالیت‌های کلاسی مبتنی بر مسئله، پروژه و نقش‌آفرینی تاریخی برای فعال‌سازی ذهن فراگیران.
۵. گنجاندن مؤلفه‌های سنجش مهارت‌های فراشناختی در شیوه‌های ارزشیابی دانش‌آموزان.
۶. فراهم‌سازی منابع مطالعاتی متنوع و کمک‌آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان برای توسعه درک عمیق‌تر از تاریخ.
۷. ایجاد فضای حمایتی در مدرسه و کلاس درس که در آن معلم و دانش‌آموز فرصت تجربه‌ورزی، اشتباه و بازاندیشی داشته‌باشند.

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

- امیدیان، م. (۱۳۸۵). نقش انگیزش درونی در یادگیری فعال و خلاقیت تحصیلی. مجله روانشناسی تربیتی ایران، ۱۳(۱)، ۴۵-۶۲.
- بابایی، سهیل. حسینی، زهرا، و بابایی، آتوسا (۱۳۹۵)، رابطه بین سبک‌های یادگیری با مهارت‌های فراشناختی دانشجویان. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- پرهون، حسن (۱۳۸۲)، ضرورت بازنگری و اصلاح روش‌های آموزش تاریخ، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۱۳.
- تنها، زهرا. فراست، هادی. بابایی مطلق، فاطمه. میرزایی، میهن و یاری، مهناز (۱۴۰۲)، تأثیر سرمایه روانشناختی بر رفتار نوآورانه دبیران با نقش میانجی روش‌های نوین تدریس، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۸(۵۶)، ۳۹۶-۳۸۷.
- جوانمرد، غلامحسین؛ رضایی، اکبر و حبیبی زاده ملکی، رسول. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش مهارت‌های فراشناختی بر جنبه‌های حافظه آشکار در دانش‌آموزان متوسطه. روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱، شماره ۱، ۷۰-۶۰.
- چنگایی، مهتاب (۱۳۹۹)، نگاهی به وضعیت آموزش تاریخ در مدارس، پژوهش در آموزش تاریخ، ۱(۳)، ۸۳-۱۰۰.
- خوش‌گفتارمقدم، علی اکبر و خرازی، سیدکمال (۱۳۹۵)، مدلی برای آموزش مهارت‌های فراشناختی در تربیت معلم آینده، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۱۵)، ۱-۲۶.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۷۹)، دبیران تاریخ مرزبان تاریخ و فرهنگ ایران، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۶.
- رفاه‌طلب، عصمت. (۱۴۰۴). تأثیر روش‌های نوین تدریس بر مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان: مطالعه موردی جزیره کیش. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۸(۹۳)، ۲۱-۴۰.

زارع بیدکی، ریحانه. کشاورز، اعظم و توکلی، بی بی زهرا (۱۴۰۱)، آموزش علوم و نقش آن بر رشد مهارت های فراشناختی با محوریت روش تدریس کاوشگری، مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۸ (۴)، ۵۲۱-۵۰۲.

سعادت‌ی شامیر، ابوطالب، طاهرغلامی، راحله، جلالی شهربانو (۱۳۹۵)، فصلنامه خانواده و پژوهش (۳۴)، ۹۰-۱۰۲.

سیف، علی اکبر (۱۳۷۲)، اندازه گیری و سنجش در علوم تربیتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

صادقی، علی (۱۳۹۶)، نقش و اهمیت بازدید میدانی در آموزش جغرافیا و علوم زمین، فصلنامه پویا در آموزش علوم انسانی، شماره ۸ (۸۱).

عابدینی، یاسمین، همایی، رضا، موسوی، ستاره، (۱۳۹۳). بررسی تأثیر روش های تدریس فعال بر توسعه مهارت های فراشناختی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. مجله آموزش عالی، ۱۵ (۴)، ۱۱۸-۱۰۲.

علیزاده، سیدسجاد (۱۴۰۴)، تأثیر روش های نوین تدریس بر یادگیری دانش آموزان در درس معارف، همایش بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران ۲۰

فلاول، جان (۱۳۷۷)، رشد شناختی. ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات رشد

کریمی، امیر (۱۴۰۰)، تحلیلی بر مقالات آموزش تاریخ در آموزش و پرورش ایران، فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در آموزش تاریخ دوره دوم، شماره ۴.

کیخا، م. (۲۰۲۰). بررسی نقش سبک تدریس معلمان حامی خودمختاری در انگیزش درونی و خودتنظیمی دانش آموزان. مجله آموزش و پرورش، ۲۵ (۳)، ۱۱۲-۱۳۵.

موسوی، ستاره (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر روش تدریس کاوشگری در درس تاریخ بر مهارت های فراشناختی دانش آموزان، پژوهش در آموزش تاریخ، ۱ (۳)، ۷-۳۳.

موسوی زاده، احترام سادات و علیشیری، سعید (۱۳۹۵)، روش های تدریس و نقش آن در تحول بنیادین آموزش و پرورش، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.

مقرب الهی، زهرا (۱۳۹۱)، روش های نوین تدریس، مجله موج، ۷۷-۴۸.

ملکشاهی، هاشم و شاهرخ، سید علاءالدین (۱۴۰۲)، درآمدی بر روش های نوین تدریس تاریخ در مدارس کشورهای مختلف، مجله پژوهش در آموزش تاریخ، ۴ (۲)، ۹۹-۸۰.

ناصری، میثم، عفتی مطلق، معصومه، و روحانی، هادی (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت های فراشناختی بر افزایش پیشرفت تحصیلی، همایش ملی سوادآموزی و ارتقای سلامت.

یزدی، سیدامیر، و عالی، آمنه. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر سبک های مدیریت کلاس بر رشد مهارت های فراشناختی دانش آموزان. مطالعات تربیتی و روان شناسی، ۹ (۱).

Brown, A. (1987). Metacognition, executive control, self-regulation and other more mysterious mechanisms. In F. Weinert, & R. Kluwe, Metacognition, Motivation, and Understanding (pp. 65-116). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Hillsdale.

Brown, A. (1987). Metacognition, executive control, self-regulation and other more mysterious mechanisms. In F. Weinert, & R. Kluwe, Metacognition, Motivation, and Understanding (pp. 65-116). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Hillsdale.

Schraw, G., & Moshman, D. (1995). Metacognitive theories. Educational Psychology Review, 7(4), 351-371.